

تأثیر راهبرد انرژی روسیه بر نحوه تأمین نیازهای انرژی کشورهای اروپایی

تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۱۵

پذیرش نهایی: ۹۵/۹/۲۰

سهیلا عظیمیان*^۱

محمودلی مدرس^۲

فریده محمد علی پور^۳

چکیده

اتحادیه اروپا برای استمرار رشد اقتصادی، نیاز فراوانی به انرژی دارد. از آنجاکه اتحادیه اروپا منطقه‌ای فقیر از لحاظ منابع انرژی است و صنایع اروپایی بر نفت و گاز تکیه دارد؛ با نیاز روزافزون به واردات انرژی مواجه است. مهم‌ترین تأمین‌کننده این منابع، روسیه با ۱۲/۵ درصد ذخایر نفت و ۱۹/۹ ذخایر گاز طبیعی دنیاست. روسیه به وسیله شبکه گسترده خطوط انتقال انرژی توانسته است نیاز روزافزون کشورهای اروپایی را به انرژی تأمین کند. در این پژوهش به این سؤال پاسخ داده شده است که تأثیر راهبرد انرژی روسیه بر تأمین نیازهای انرژی کشورهای اروپایی چگونه است؟ در پاسخ به این فرضیه دیپلماسی انرژی روسیه با تکیه بر حجم ذخایر و زیرساخت‌های گسترده انتقال انرژی موجب وابستگی نامتقارن کشورهای اروپایی برای تأمین نیازهای انرژی به این کشور شده است. روش تحقیق این پژوهش تبیینی - تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها: انرژی؛ اتحادیه اروپا؛ روسیه؛ نفت؛ گاز

^۱ - کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی؛ Email: sazimian@yahoo.com

*نویسنده مسئول

^۲ - عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی

^۳ - عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی

امروزه تأمین امنیت انرژی با توجه به نقش حیاتی آن در استمرار توسعه سیاسی و اقتصادی کشورها، از جمله محورهای استراتژی مدون کشورهای مختلف جهان است. با توجه به اینکه ذخایر گاز و منابع انرژی فسیلی در مناطق خاصی از جهان تمرکز یافته است؛ ضرورت انتقال این منابع به بازارهای مصرف از استراتژیک‌ترین مباحث موجود در سیاست خارجی عرضه‌کنندگان و مصرف‌کنندگان انرژی است. در همین راستا ژئوپلیتیک «سیاست جغرافیایی» اهمیت بسزایی در مدیریت انتقال منابع دارد و بدون تردید یکی از متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری سیاست خارجی کشورها، موقعیت جغرافیایی آن کشور و ارتباط آن با جهان خارج و همسایگان است (حیدری، ۱۳۸۸: ۲۴).

این ویژگی طی سال‌های بعد پدیدآورنده از مهم‌ترین مسائل کشورهای تولیدکننده نفت و گاز اوراسیا و نیز شرکای غربی آنها، در چارچوب موضوع تعیین مسیر انتقال منابع نفت و گاز به بازارهای جهانی مصرف، بوده است. در این عرصه جغرافیایی که شرق و غرب جهان را به هم پیوند زده است، حداقل دو حوزه عمده انرژی از یکدیگر قابل تفکیک هستند: منابع نفت و گاز روسیه شامل منابع سیبری غربی و اورال و منابع نفت و گاز حوزه دریای خزر. در زمان استقرار حاکمیت اتحاد جماهیر شوروی به‌رغم آنکه این کشور از منابع نفتی حوزه اورال و سیبری غربی بیش از هفت میلیون بشکه در روز نفت تولید می‌کرد، اما به‌دلیل آنکه بیش از نیمی از صادرات نفت این کشور به کشورهای بلوک شرق اختصاص داشت، این منابع از نقش تعیین‌کننده‌ای در معادلات انرژی جهانی برخوردار نبودند.

در این دوره، منابع نفتی دریای خزر نیز بنابر دلایل گوناگونی مانند آسان‌تر بودن بهره‌برداری از منابع نفتی سیبری غربی و فقدان تکنولوژی لازم برای استخراج نفت از چاه‌های عمیق‌تر منطقه و یا اکتشاف و بهره‌برداری از منابع نفتی فلات قاره، مورد توجه چندانی قرار نداشتند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تلفیقی از انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی، انرژی اوراسیایی را از جنبه‌های مختلف به یکی از موضوعات مهم بازار جهانی انرژی تبدیل کرد. استفاده روسیه از ابزار انرژی به‌منظور دستیابی به برخی اهداف سیاسی و همچنین تلاش کشورهای غربی برای تسلط انحصاری بر منابع منطقه و

مسیرهای انتقال آن، در بسیاری از موارد کشمکش‌های سیاسی را جایگزین منطق اقتصادی در این منطقه کرده است (شعریتی‌نیا، ۱۳۸۶: ۴).

جایگاه تقریباً بی‌رقیب روسیه مدیون وسعت جغرافیایی بسیار زیاد، سطح تکنولوژی و امکانات قابل توجه برای کشف و استخراج نفت و گاز، در اختیار داشتن بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین شبکه صادرات و انتقال و ترانزیت انرژی در اروپا و آسیاست. بررسی منابع انرژی در این منطقه از جهان و سیاست‌های کشورهای ذی‌نفع در منطقه نقش مهمی در شناخت جغرافیای انرژی جهان و سیاست خارجی همسایگان دارد. در این پژوهش سؤال اصلی که مطرح می‌شود این است که تأثیر راهبرد انرژی روسیه بر تأمین انرژی کشورهای اروپایی چگونه است؟ در پاسخ به سؤال این فرضیه مطرح می‌شود که دیپلماسی انرژی روسیه با تکیه به حجم ذخایر و زیرساخت‌های گسترده انتقال انرژی موجب وابستگی نامتقارن کشورهای اروپایی برای تأمین نیازهای انرژی به این کشور شده است. روش تحقیق این پژوهش با توجه به ماهیت نظری موضوع روش تبیینی - تحلیلی است. برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها درباره موضوع از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است.

۱. چارچوب نظری

امنیت انرژی^۱ یکی از مهم‌ترین اجزا و موضوع محوری مباحث مربوط به سیاست انرژی است؛ چرا که توسعه اقتصادی کشورها و مناطق مختلف جهان چه در سطح خرد و چه در سطح کلان به آن مرتبط است (Correlje and Van der Linde, 2006: 532). هنگامی که از امنیت انرژی صحبت می‌شود، منظور کاربرد مفهومی آن است که جریان آزاد انرژی بر اثر ایجاد یک رشته حوادث و اتفاقات بحرانی، منقطع نشود و کارایی نظام اقتصادی بین‌الملل را مختل نکند (Alhajji, 2007; Kruyt and et al., 2009: 2167).

از این رو لازم است که ابتدا میان امنیت عرضه^۲ و امنیت تقاضا^۳ انرژی تفکیک قائل شویم؛ چراکه مسئله امنیت انرژی، یک مسئله و منظومه چندبعدی است که از زوایای مختلف قابل بررسی است. منظور از امنیت عرضه آن است که

1. energy security
2. security of supply
3. security of demand

به مصرف‌کنندگان این تضمین داده شود که وقوع یک رشته حوادث غیرقابل پیش‌بینی، همچون سهولت دسترسی به منابع قابل اطمینان،^۱ مسیر ترانزیتی امن،^۲ خطرهای متوجه ساختارها و تأسیسات و عوامل همچون بلایا و آسیب‌های طبیعی،^۳ تروریسم،^۴ جنگ، آشوب‌ها و ناآرامی‌های سیاسی، شورش‌های مدنی،^۵ و مؤلفه‌هایی نظیر آن جریان عرضه انرژی و یا مقدار آن را متوقف نکند (Weisser, 2008: 2; Correlje and Van Derlinde, 2006: 537-542; Helm, 2002: 173)

همچنین امنیت عرضه انرژی شامل تضمین خطوط انتقال انرژی نیز شده، به‌گونه‌ای که جریان آزاد و مداوم آن تحت تأثیر خواست و اراده سیاسی صادرکنندگان منقطع نشود (Chichester, 2006). اما منظور از امنیت تقاضای انرژی این است که عرضه‌کنندگان تمایل دارند برای انرژی‌ای که تولید کرده و برای آن هزینه‌های زیادی صرف نموده‌اند، تقاضای مکفی وجود داشته باشد؛ چراکه در غیر این صورت، هزینه‌های فرصت‌های از دست رفته زیادی را به‌دلیل معطلی سرمایه‌گذاری‌شان تحمل کنند. همچنین امنیت تقاضا، امنیت صنعت نفت و محیط زیست، ابعاد و زوایای دیگر امنیت انرژی را تشکیل می‌دهند. از این رو چهار چالش بزرگ متوجه اقتصاد سیاسی بین‌الملل در حوزه امنیت انرژی در قرن بیست‌ویکم عبارت‌اند از: افزایش رشد مصرف انرژی در حوزه‌های فراورده‌های نفتی؛ کاهش منابع و ذخایر انرژی در جهان؛ امنیت عرضه و تقاضای انرژی، افزایش درجه آلودگی آب و هوای ناشی از گازهای گلخانه‌ای (Dorian and et al., 2006: 1984-1988; Hippel and et al., 2009: 1)

باتوجه به این مهم، اندیشمندان حوزه اقتصاد سیاسی و روابط بین‌الملل با استناد به روندهای جاری در نظام بین‌الملل، قرن بیست‌ویکم را قرن ژئواکونومیک نامیده‌اند؛ چراکه بر این باورند یکی از مهم‌ترین چالش‌های جهانی در این قرن چالش انرژی است (Dorian and et al, 2006: 1984-1991) و این مسئله یکی از مهم‌ترین جلوه‌های پارادایم اقتصاد سیاسی این قرن خواهد بود (Nuttal and et al., 2008: 1249-1259; Umbach, 2009). تا آنجا که امروزه، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های سیاسی رهبران و زمامداران قاره اروپا مسئله امنیت

1. facility dependence and source dependence
2. transit dependence
3. natural disaster
4. terrorism
5. civil unrest

انرژی است (Correlje and Van Derlinde, 2006: 532-543; Markandya and et al., 2009).

هرچند برخی از متخصصان در حوزه اقتصادی سیاسی انرژی، برای رهایی از چالش‌های مذکور، راه‌حلهایی همچون کاهش مصرف انرژی^۱ چرخش در بهره‌گیری از منابع انرژی^۲، محدود ساختن تقاضاهای جدید^۳ و امید به تغییرات آب و هوایی را مطرح ساخته‌اند؛ اما باید گفت تا هنگامی که بشر میل به تکامل و ترقی در ابعاد گوناگون زندگی مادی و معنوی خود را دارد و تا هنگامی که چرخ‌های صنعت در حال حرکت است، هیچ‌یک از راه‌حل‌های مذکور نمی‌تواند رشد شتابان نظام اقتصاد سرمایه‌داری را در اتحادیه اروپا مهار کند. بنابراین در امر تأمین امنیت عرضه و تقاضای انرژی و یافتن راهکاری برای ایجاد تعادل در روابط بین این دو مقوله همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند. از آنجاکه اتحادیه اروپا از جمله مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی و نیز واردکنندگان عمده میعانات نفتی است به‌طبع چالش امنیت انرژی به‌مراتب برای اعضا این اتحادیه، جدی‌تر خواهد بود (صادقی، ۱۳۹۲: ۱۵۵).

۲. دیپلماسی انرژی روسیه

دیپلماسی انرژی روسیه از ذخایر انواع حامل‌های انرژی برخوردار است. به‌طوری‌که بیش از ۱۰ درصد ذخایر نفت جهان و بیش از ۳۰ درصد ذخایر گاز جهان در روسیه قرار دارد که مجموع آن یک‌چهارم منابع نفت و گاز جهان را شامل می‌شود. توانایی و ظرفیت تولید و صادرات روسیه برای انواع حامل‌های انرژی نیز واقعاً چشمگیر است، این کشور قادر است بیش از ۱۸۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی؛ بیش از ۳۶۰ میلیون تن نفت؛ و بیش از ۵۰ میلیون تن معادل نفت زغال‌سنگ صادر کند. در حال حاضر ۹۰ درصد رشد جهانی مصرف انرژی در بخش نفت و گاز است. برای مثال روسیه که از بزرگ‌ترین ذخایر گاز طبیعی جهان برخوردار است، جهت‌گیری اصلی اقتصاد خود را بر سرمایه‌گذاری و توسعه گاز طبیعی معطوف کرده و با هدف‌گذاری توسعه صادرات گاز طبیعی از طریق خطوط لوله و گاز مایع شده از طریق کشتی رتبه‌های نخست بازار جهانی

1. using less energy (reduce)
2. shifting to secure sources (replace)
3. limiting new demand to secure sources (restrict)

گاز را به خود اختصاص داده است. ظرفیت بالقوه و امکانات وسیع بالفعل این کشور برای صادرات نفت و گاز، امکان مانورهای سیاسی - اقتصادی در عرصه دیپلماسی انرژی را برای روسیه فراهم کرده و با تکیه بر توسعه و تولید گاز طبیعی و دیپلماسی کسب؛ بازارهای امن و ثابت برای فروش آن فراهم کرده است. استراتژی تأسیس خطوط لوله متعدد با هدف گسترش و تنوع بخشی به کانال‌های تأمین گاز طبیعی مورد نیاز اروپا از سال ۱۹۹۷ به این سو با جدیت کامل از سوی روسیه دنبال شده و حاصل آن شبکه‌ای از خطوط لوله است که گاز روسیه را به بیش از بیست کشور جهان از جمله هجده کشور اروپایی صادر می‌کند. به نظر می‌رسد روسیه در میان مدت از امتیاز تقاضای انرژی در بازارهای فروش باثبات خود بهره‌مند باشد و از این امتیاز در دیپلماسی انرژی خود بهره‌برداری کند. اهداف راهبردی دیپلماسی انرژی روسیه حول سه محور اصلی است. احیای موقعیت از دست رفته ابرقدرتی در مقیاس جهانی، مهار قدرت و نفوذ چین در معادلات اقتصادی جهانی و کنترل در حوزه نفوذ راهبردی و امنیتی روسیه؛ تحکیم و تعمیق وابستگی اروپا به انرژی گاز روسیه. البته نقش روسیه در تولید و صادرات نفت در مقیاس جهان کلیدی نیست و امتیاز روسیه در ذخایر و قدرت تولید و صادرات گاز طبیعی نهفته است.

از آنجاکه صادرات گاز طبیعی از روسیه به‌طور عمده متکی بر خطوط لوله انتقال است تعدد نوع مسیر و ظرفیت این خطوط یکی از نقاط حساس در دیپلماسی روسیه محسوب می‌شود. با در نظر گرفتن موقعیت روسیه به لحاظ سابقه سلطه و کنترل کشورهای عضو شوروی سابق و همچنین نفوذ سیاسی و تراز تجاری برتر و نیز از حیث حجم ذخایر و شبکه خطوط لوله می‌توان؛ این کشور را یک ابرقدرت منطقه‌ای به حساب آورد. روسیه در رابطه با اروپا در زمینه انرژی از مزیت مطلق برخوردار است و اروپا از این حیث به شدت به روسیه وابسته است. اروپا در حال حاضر حدود ۵۰ درصد از انرژی مورد نیاز خود را از طریق واردات تأمین می‌کند. چنانچه این وضعیت با شرایط کنونی تداوم یابد و تحولات اساسی در زمینه منابع جدید انرژی در اروپا صورت نپذیرد پیش‌بینی می‌شود که میزان وابستگی اروپا به واردات انرژی در سال ۲۰۳۰ از ۵۰ درصد به ۷۵ درصد افزایش یابد. روسیه از طریق شرکت‌های دولتی خود مانند گازپروم که در زمینه انرژی فعال هستند، می‌کوشد سهام بیشتری در بازار انرژی اروپا به دست آورد و

از راه سازوکارهای درونی بازار موقعیت خود را تثبیت کند. در مقابل کشورهای اروپایی حدود ۵۰ درصد تجارت و سرمایه‌گذاری روسیه را به خود اختصاص داده‌اند؛ اما این وابستگی متقابل و متقارن نیست و امنیت انرژی در دو طرف رابطه برقرار نیست. در یک طرف رابطه یک کشور مسلط با بزرگ‌ترین ذخایر قابل استحصال گاز قرار دارد و در طرف دیگر کشورهای متعددی که در عین رقابت با یکدیگر، از مذاکره و عقد قرارداد دوجانبه با یک کشور ناگزیرند، اگرچه روسیه در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹ دو بار از این موقعیت برتر خود در مورد اکراین و بلاروس به‌طور یک‌جانبه استفاده کرده و آسیب‌پذیری اروپا را به نمایش گذاشته است. قدرت چانه‌زنی در دو طرف این رابطه متقارن نیست.

به‌طوری‌که حداقل از دیدگاه روس‌ها کلید این رابطه دوطرفه در دست روسیه است و آسیب‌پذیری اروپا از قطع یا اختلال در تأمین انرژی حدود صد میلیون اروپایی به حدی است که نمی‌تواند از هم‌گرایی در زمینه انرژی برای مهار یا هضم روسیه در اروپا بهره‌برداری کند. در این صحنه تقابل و چانه‌زنی دیپلماسی انرژی، گروهی از بازیگران متعدد و متفرق دولتی و غیردولتی اروپایی در مقابل یک کشور منسجم و دارای منابع انرژی و شرکت‌های انحصاری تابع آن مواجه‌اند. آسیب‌پذیری اروپا و دست برتر روسیه را در این رابطه تعاملی می‌توان در مواردی از قبیل بهره‌برداری قطع یا اختلال در عرضه انرژی، تهدید آشکار و پنهان به قطع یا اختلال عرضه، بازی با قیمت گاز طبیعی در چارچوب سیاست چماق و هویج، اعمال فشار از طریق ایجاد بدهی یا حال کردن بدهی‌ها و مصادره دارایی و تصاحب سهام شرکت‌های عامل ملاحظه کرد (اسلامی، ۱۳۹۱: ۲۰۲).

۳. میزان تقاضای انرژی (نفت و گاز) در اروپا

براساس گزارش کمیسیون اتحادیه اروپا و آژانس بین‌المللی انرژی، ترکیب انرژی مصرفی ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا به این شرح است؛ نفت و گاز ۶۱ درصد، انرژی جامد ۱۸ درصد، انرژی هسته‌ای ۱۴ درصد و سایر انرژی‌های تجدیدپذیر ۷ درصد. مقایسه آمارهای مذکور در چشم‌انداز ۲۰۳۰ نشان می‌دهد که سوخت‌های فسیلی همچنان از جایگاه بسیار بااهمیتی در ترکیب سبد انرژی مصرفی اعضای اتحادیه اروپا برخوردار است.

هرچند که در قاره اروپا کشوری همچون نروژ از تولیدکنندگان مهم انرژی و

از صادرکنندگان نفت و گاز به کشورهای عضو اتحادیه اروپا به شمار می‌آید و انگلستان نیز از واردکنندگان و صادرکنندگان انرژی به سایر کشورهای اروپاست، اما باید در نظر داشت ذخایر اثبات شده نفت در کشورهای عضو اتحادیه، کمتر از ۱ درصد ذخایر جهانی و ذخایر اثبات شده نروژ نیز حدود ۱ درصد ذخایر جهانی است و این به معنای آسیب‌پذیری بیشتر اعضا اتحادیه اروپا در این عرصه است.

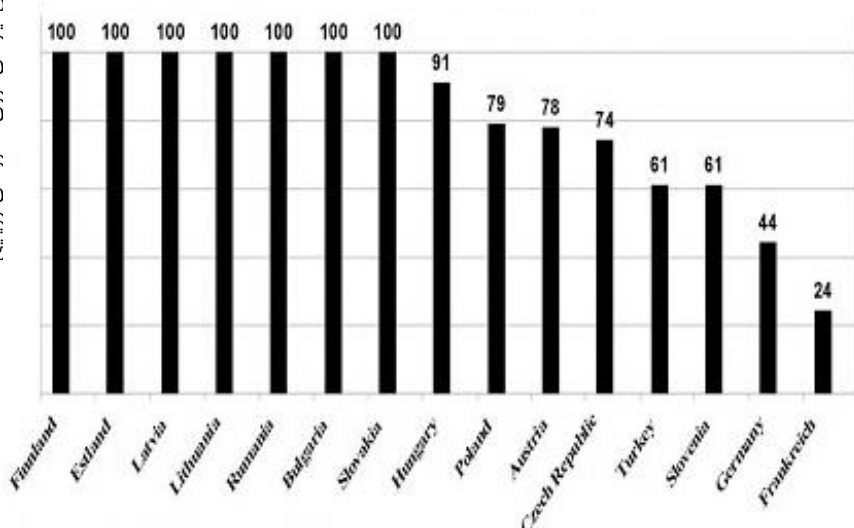
در حال حاضر اتحادیه اروپا ۱۵/۲ درصد از حجم کلی گاز طبیعی و ۱۹/۳ درصد از حجم کلی نفت خام جهان را مصرف می‌کند، بزرگ‌ترین صادرکنندگان نفت به این قاره به ترتیب عبارت‌اند از: روسیه و جمهوری تازه استقلال یافته مشترک‌المنافع^۱ با صادرات روزانه ۲۱۴/۶ میلیون تن، خاورمیانه ۱۶۱ میلیون تن و آفریقای شمال ۱۲۲ میلیون تن. در حوزه گاز نیز کشورهای این قاره بیش از نیمی از گاز مصرفی خود را تنها از سه کشور روسیه (۲۶ درصد)، نروژ (۱۴ درصد) و الجزایر (۱۰ درصد) تأمین می‌کند (صادقی، ۱۳۹۲: ۱۵۹).

از نظر مصرف انرژی به‌ویژه نفت و گاز میان اعضای اتحادیه اروپا تفاوت بسیار زیادی وجود دارد. در سال ۲۰۱۰ بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا، آلمان با ۲/۹ درصد، فرانسه با ۲/۱ درصد، اسپانیا با ۱/۸ درصد و انگلستان با ۱/۸ درصد بیشترین سهم مصرف جهانی و کشورهای اسلواکی، اسلونی، لیتوانی، بلغارستان و لتونی هرکدام با ۰/۱ درصد کمترین سهم مصرف جهانی نفت را داشته‌اند. درباره میزان مصرف گاز در میان اعضای اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۰ کشورهای انگلستان با ۳ درصد، آلمان با ۲/۶ درصد، فرانسه با ۱۵ درصد و هلند با ۱/۴ درصد بیشترین سهم مصرف جهانی و کشورهایمانند لیتوانی، لتونی، استونی، قبرس، سوئد و یونان هرکدام با ۰/۱ درصد کمترین سهم مصرف جهانی گاز را بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا داشته‌اند (موسوی شفایی، سلطانی‌نژاد و زحمتکش، ۱۳۹۱: ۱۰۶).

تقاضای گاز طبیعی در اروپا به دلیل جایگزینی زغال و نفت با گاز طبیعی و گازی شدن روزافزون صنایع اروپایی به سرعت در حال افزایش است. براساس چشم‌انداز ۲۰۳۰ «یوروگاز» سهم مصرف گاز طبیعی در اتحادیه اروپا از ۲۶ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۳۰/۱ درصد در سال ۲۰۳۰ خواهد رسید. مهم‌تر اینکه

1. Common Wealth of Independent States (CIS)

واردات گاز طبیعی تا سال ۲۰۳۰ به دلیل کاهش تولید گاز در این اتحادیه و افزایش تقاضای کشورهای عضو دوبرابر خواهد شد و از آنجاکه میزان رشد مصرف گاز طبیعی کشورهای عضو اتحادیه بیشتر از نفت است؛ روابط انرژی روسیه و اتحادیه اروپا در حوزه گاز طبیعی اهمیتی بیشتر از روابط دو طرف در حوزه نفت دارد (Eruogas, 2011: 7).



(نمودار ۱) میزان وابستگی کشورهای اروپایی به واردات گاز روسیه (۲۰۱۲)

۴. ذخایر انرژی روسیه

اگرچه کانون انرژی جهانی در خلیج فارس قرار دارد، اما کانون ثبات انرژی در روسیه است. از نظر اتحادیه اروپا منطقه خاورمیانه و خلیج فارس مستعد و آبستن بحران‌های متعددی است. از آنجاکه این بحران‌ها پتانسیل تسری‌پذیری دارند، از این رو این منطقه عموماً بی‌ثبات است. بحران‌های افغانستان، عراق، مسئله اتمی ایران، مناقشات معطوف به فرایند صلح خاورمیانه، تروریسم و ... سبب شده‌اند تا اتحادیه اروپا به تدریج از اتکای خود به واردات انرژی از این منطقه بکاهد. برخلاف بالا بودن ضریب ناامنی و بی‌ثباتی در خاورمیانه، روسیه، شریکی باثبات

برای اتحادیه درزمینه انرژی محسوب می‌شود (رمضان‌زاده و حسینی، ۱۳۸۹: ۵۱). طبق گزارش شرکت بی. پی. در سال ۲۰۱۳، حجم ذخایر اثبات شده نفت خام فدراسیون روسیه ۸۷/۲ میلیارد بشکه، میزان تولید نفت خام ۱۰/۳۱۷ میلیون بشکه در روز و میزان مصرف ۳/۱۷۴ میلیون بشکه در روز و حجم تولید آن ۵۲۶/۲ میلیون تن بوده است. حجم ذخایر اثبات شده گاز طبیعی فدراسیون روسیه در پایان سال ۲۰۱۲ براساس گزارش‌های بی. پی. ۳۲/۹ تریلیون مترمکعب، میزان تولید گاز طبیعی ۵۹۲/۳ میلیارد مترمکعب و میزان مصرف ۴۱۶/۲ میلیارد مترمکعب و حجم تولید آن ۵۳۳ میلیون تن بود است (گستره انرژی، ۱۳۹۳: ۴۳).

شرکت	هزار بشکه در روز
Rosneft	2,448
Lukoil	1,670
TNK-BP	1,493
Surgutneftegaz	1,223
Gazprom Neft	626
Tatneft	518
Slavneft	356
Gazprom	314
Bashneft	307
Russneft	295
PSA operators	283
Novatek	85
Others	697
Total	10,315

نمودار ۲) تولید نفت شرکت‌های نفتی روسیه در سال ۲۰۱۲

منطقه	هزار بشکه در روز
Western Siberia	6,422
Urals-Volga	2,312
Krasnoyarsk	368
Sakhalin	283
Komi Republic	259
Arkhangelsk	249
Irkutsk	201
Yakutiya	133
North Caucasus	64
Kaliningrad	26
Total	10,317

نمودار ۳) میزان تولید میدان‌های نفتی روسیه در سال ۲۰۱۲

منطقه	میلیارد فوت مکعب در روز
Siberia	59.6
Tyumen	55.9
Yamalo-Nenets	52.4
Khanti-Mansiisk	3.5
Tomsk	0.4
Krasnoyarsk	0.2
Irkuts	0.2
Yakutsk	0.2
Sakhalin	2.7
Urals Voiga	3.3
Orenburg	1.5
Astrakhan	1.1
Others	0.7
Komi Republic	0.3
North Caucasus	0.1
Total	63.4

نمودار ۴) میزان تولید میدان‌های گاز روسیه در سال ۲۰۱۲

شرکت	میلیارد فوت مکعب در روز
Gazprom	47.1
Rosneft	1.2
LUKoil	1.6
Surgutneftegaz	1.2
TNK-BP	1.3
Others	1.6
ITERA	1.2
Novatek	5.5
PSA operators	2.6
Total	63.4

نمودار ۵) تولید گاز شرکت‌های روسیه در سال ۲۰۱۲

- این جایگاه تقریباً بی‌رقیب روسیه مدیون این عوامل است:
۱. وسعت بسیار زیاد و موقعیت جغرافیایی ناشی از آن،
 ۲. سطح تکنولوژی و امکانات قابل توجه برای کشف و استخراج منابع نفت و گاز،
 ۳. داشتن بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین شبکه‌های صادرات، انتقال و ترانزیت انرژی در اروپا و آسیا (ابراهیمی، ۱۳۸۳: ۲۳۱).

این کشور از امکانات بسیار گسترده در زمینه بهره‌برداری از خطوط لوله، نفت‌کش و راه‌آهن برای ترانزیت نفت و گاز خود به تمام جهان برخوردار است. این امتیاز ناشی از گستردگی جغرافیایی، همسایگی و ارتباط سرزمینی روسیه با

کشورهای اروپایی، آسیایی و آمریکایی است. این پیوستگی سرزمینی باعث استقرار شبکه گسترده‌ای از خطوط لوله شده است که از آسیای مرکزی و سبیری آغاز می‌شود و تا اروپای غربی، جنوب اروپا و ترکیه ادامه می‌یابد. بیش از ۲۸ درصد گاز کشورهای اروپایی از این شبکه، تأمین می‌شود. روسیه سفید و کشورهای حوزه بالتیک به‌طور کامل از این شبکه تغذیه می‌شوند. از زمان شوروی سابق تاکنون خط انتقال برادر هود یونیون گاز روسیه را به اروپای مرکزی منتقل می‌کند. خط نورتون لایت گاز را از روسیه به روسیه سفید، اکراین و اروپای مرکزی منتقل می‌کند. همچنین خط ترانس بالکان گاز این کشور را به کشورهای حوزه بالکان حمل می‌کند. این شبکه انرژی پس از فروپاشی شوروی و تقویت قدرت روسیه پس از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۳۰ به‌عنوان عاملی مهم در سند استراتژی روسیه مورد توجه قرار گرفت (حسینی و باقیان، ۱۳۸۹: ۴۶۹).

۵. شبکه صادرات انرژی روسیه

صنعت گاز روسیه، طی سال‌های گذشته، نقش برجسته‌ای در دیپلماسی خارجی روسیه ایفا کرده است به‌طوری‌که این کشور از اهرم گاز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ارتقای امنیت ملی و اقتدار اقتصادی خود بهره برده است. روسیه پس از فروپاشی شوروی سابق درصدد بازافتن نقش تعیین‌کننده در سیاست و اقتصاد جهانی بوده و با سرمایه‌گذاری گسترده در صنعت گاز به سهم قابل توجه بازارهای جهانی گاز، به‌ویژه در اتحادیه اروپا، تا حدود زیادی در تحقق این هدف موفق بوده است (ترکان، ۱۳۹۱: ۱۵۹).

۱-۵. خط لوله نورد استریم^۱

این پروژه با هدف متنوع کردن مسیرهای صادرات گاز روسیه به اتحادیه اروپا و دسترسی مستقیم روسیه به بازار آلمان، فرانسه، هلند و ایتالیا در پی چالش با اکراین طراحی شد. خط لوله مذکور به طول ۱۲۰۰ کیلومتر، گاز طبیعی میدان استکمن^۲ روسیه را از طریق بندر وی‌برگ^۳ در کرانه دریای بالتیک به بندر گرایفسوالد^۴ در شمال آلمان منتقل می‌کند. ساخت اولین خط لوله این پروژه با

1. Nord Stream
2. Shtokman
3. Vyborg
4. Gerifswald

ظرفیت ۲۷/۵ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۱۱ و احداث خط دوم با ظرفیت ۵۵ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۱۲ آغاز شد. لازم به ذکر است که پروژه نورد استریم توسط ای. جی. نورد استریم^۱ که یک سرمایه‌گذاری مشترک برای طراحی، ساخت و اجرای این خط لوله است، در سپتامبر ۲۰۰۵، گازپروم و شرکت‌های آلمانی BASF AG, E.ON A طی قراردادی برای ساخت این خط لوله در برلین به توافق رسیدند. ۵۱ درصد سهام ای. جی. نورد استریم متعلق به شرکت گازپروم و هرکدام از شرکت‌های هلدینگ وینترشال^۲ (زیرمجموعه BASF AGE Ruhegas) نیز ۲۴/۵ درصد سهام را در اختیار دارند. در ژوئن ۲۰۰۸، شرکت N. V. Nederlandse Gasunie با خرید ۹ درصد از سهام ای. جی. نورد استریم (۴/۵ درصد سهام شرکت‌های E.ON Ruhegas, Holding Wintershall) به جمع سرمایه‌گذاران پروژه پیوست (www.nord-stream.info).

۲-۵. خط لوله بلو استریم^۳

این پروژه با هدف افزایش صادرات گاز روسیه به ترکیه به‌عنوان مکمل صادرات گاز روسیه به ترکیه، از طریق خط لوله اکراین، مولداوی، رومانی و بلغارستان طراحی شد. موافقت‌نامه اولیه در این زمینه در ۱۵ دسامبر سال ۱۹۹۷، میان روسیه و ترکیه امضا شد که در قالب آن شرکت‌های گازپروم و بوتاش، قرارداد انتقال گاز از طریق این خط لوله را به‌مدت ۲۵ سال امضا کردند. در فوریه سال ۱۹۹۹ نیز گازپروم و انی^۴ یک MOU قراردادی برای اجرای این خط لوله امضا کردند. مالکیت و اجرای بخش خشکی پروژه با شرکت گازپروم و مالکیت بخش دریای این خط با کنسرسیوم گازپروم و انی است. در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷، از طریق این خط لوله به‌ترتیب ۷/۵ و ۹/۵ BCM^۵ گاز به ترکیه عرضه شده است.

۳-۵. خط لوله ساوت استریم^۶

این پروژه نیز با هدف متنوع کردن مسیرهای صادرات گاز روسیه به اتحادیه

1. AG Nord Stream
2. Holding Wintershall
3. Blue Stream
4. ENI
5. Billion Cubic Meters (BCM)
6. South Stream

اروپا، به‌ویژه کشورهای مرکزی و جنوبی این قاره طراحی شد. این خط لوله به طول ۹۰۰ کیلومتر از ایستگاه تقویت فشار برگوویا^۱ روسیه در ساحل دریای سیاه تا سواحل بلغارستان امتداد می‌یابد و ظرفیت آن ۶۳ میلیارد مترمکعب در سال است. برای قسمت خشکی این پروژه در خاک بلغارستان نیز دو مسیر شمال غربی و جنوب غربی در نظر گرفته شده است. ابتدا در سپتامبر ۲۰۰۶ با انعقاد قرارداد میان گازپروم و انی مقرر شد، تا سال ۲۰۳۵ روسیه به‌طور مستقیم به ایتالیا صادر کند و مقدار آن در سال ۲۰۱۰ تا پایان دوره به ۳ میلیارد مترمکعب در سال برسد. بر این اساس، نیاز به احداث خط لوله ویژه‌ای، کاملاً احساس شد. در ژوئن ۲۰۰۷، گازپروم و انی تفاهم‌نامه همکاری برای اجرای پروژه ساوت استریم امضا کردند و در ژانویه ۲۰۰۸ شرکت ساوت استریم ای. جی.^۲ با مشارکت مساوی گازپروم و انی در سوئیس تشکیل شد. در سال ۲۰۰۸، روسیه با کشورهای بلغارستان و مجارستان برای عبور خط لوله از این دو کشور قرارداد همکاری امضا کرد. همچنین در این سال، گازپروم و شرکت دولتی گاز صربستان Srbijagas برای ساخت بخشی از این خط (مسیر شمال غربی) که از داخل خاک صربستان عبور می‌کند، به توافق رسیدند. در ادامه نیز روسیه و یونان برای ساخت قسمتی از پروژه South Stream (مسیر جنوب شرقی) که از یونان می‌گذرد، قرار داد همکاری امضا کردند (www.south-stream.info).

۴-۵. خط لوله پر کاسپین^۳

این خط لوله، با هدف انتقال ترکمنستان و قزاقستان از طریق روسیه به بازار اتحادیه اروپا و جلوگیری از صدور گاز ترکمنستان Trans Caspian سایر مسیرهای احتمالی طراحی شده است. توافق اولیه برای احداث این خط لوله در ۱۲ می ۲۰۰۷، طی نشست مشترک رؤسای جمهور این سه کشور انجام شد. طی این نشست در سال ۲۰۰۸ مقرر شد، سالانه BCM30 از ترکمنستان و BCM10 از قزاقستان با این خط لوله به روسیه انتقال یابد. طول این خط لوله ۱۷۰۰ کیلو متر است که ۵۰۰ کیلومتر آن در ترکمنستان و ۱۲۰۰ کیلومتر آن در قزاقستان واقع شده است.

1. Beregovaya
2. South Stream AG
3. Per Caspian

۵-۵. خط لوله Srto-Torzhok

از سال ۱۹۹۵، شرکت گازپروم در حال ساخت لوله گاز از میدان آرنگوی^۱ واقع در سبیری شرقی به شهر ترژاک^۲ - یکی از نقاط کلیدی سیستم یکپارچه عرضه گاز - است. این خط لوله، قسمت بسیار مهمی از سیستم انتقال گاز طرح‌ریزی شده برای Peregrebnoye-Ukhta-Torzhok-Urengoy-Nadym است که ظرفیت عرضه گاز به مناطق مصرف‌کننده شمال غربی روسیه را افزایش داده و همچنین امنیت عرضه گاز از طریق خط لوله Europe-Yamal را تضمین می‌کند. طول این خط لوله ۲۲۰ کیلومتر و ظرفیت آن در مقاطع مختلف از ۲۰/۵ تا ۲۸/۵ میلیارد مترمکعب متغیر است. در سال ۲۰۰۶، لوله‌گذاری طرح به اتمام رسید و چهار ایستگاه تقویت فشار از مجموع ۱۳ ایستگاه برنامه‌ریزی شده اجرا شد و تا سال ۲۰۱۱، دیگر تأسیسات مورد نیاز این پروژه تکمیل شده است (ترکان، ۱۳۹۱: ۱۶۷).

۶. تاکتیک‌های روسیه برای عملی‌سازی استراتژی انرژی

۱. **درگیر کردن تقاضا:** روسیه با امضای قراردادهای بلندمدت دوجانبه و چندجانبه با کشورهای اروپایی، سیاست گره زدن تقاضا به خود را دنبال می‌کند. مسکو ترجیح می‌دهد تا با اعضای اتحادیه اروپایی به‌جای یک گروه، به‌طور جداگانه معامله کند تا بتواند بین مشتریان خود تبعیض قیمت اعمال کند و از هر کشور تا حداکثر میزانی که توان پرداخت دارد و مبنای رفتار سیاسی آن را مطالبه کند. گازپروم قراردادهای بلندمدت عرضه گاز با اغلب کشورهای اروپای غربی از جمله آلمان، فرانسه، ایتالیا و اتریش منعقد کرده است. اعضای جدیدتر نظیر اسلواکی، بلغارستان و جمهوری چک تقریباً به‌طور کامل وابسته به گاز روسیه هستند.

۲. **درگیر کردن عرضه:** تاکتیک دوم روسیه انحصاری کردن ذخایر گاز با تحکیم کنترل خود بر زیرساخت‌های استراتژیک انرژی به‌خصوص خط لوله در اروپا و اوراسیاست. روسیه سعی در مالکیت کامل و مشترک منابع، سیستم فروش و توزیع گاز طبیعی داشته و خرید تصاحب زیرساخت‌های عمده مانند لوله‌ها، پالایشگاه‌ها شبکه‌های برق و بنادر را در دستور کار خود قرار داده است. انحصار مؤثر گازپروم بر عرضه گاز ترکمنستان، قزاقستان و ازبکستان اهرم‌های

1. Urengoy
2. Torzhok

سیاسی مسکو را در اروپای مرکزی و شرقی تقویت می‌کند و به میزان قابل توجهی قیمت‌های انرژی را در تمام اروپا افزایش می‌دهد (Dempsy, 2006: 5).

۳. استراتژی خط لوله: روسیه به شکل تهاجمی کنترل خود بر خطوط لوله انتقال گاز را افزایش می‌دهد. مسکو با پروژه‌های خط لوله که مستقیماً کشورهای تولیدکننده انرژی در اوراسیا را به بازارهای اروپایی وصل می‌کند (مانند لوله نفتی باکو - تفلیس - جیحان و خط لوله گاز باکو - ارزروم) مخالفت کرد. در مارس ۲۰۰۷ روسیه قراردادی را با بلغارستان و یونان برای ساخت خط لوله که مسیر تنگه بسفر تحت کنترل ترکیه را دور خواهد زد امضا کرد. شرکت‌های روسی ترانس نفت، گازپروم نفت و رز نفت ۵۱ درصد از این خط را در اختیار خواهند داشت. این مسیر اولین لوله تحت کنترل روسیه در خاک اتحادیه اروپایی خواهد بود و به روسیه اجازه دور زدن بسفر با حفظ کنترل ترانزیت نفت را خواهد داد. بخشی از استراتژی خط لوله روسیه این است که قیمت‌های گاز را برای همسایگان خود بالا ببرد با این هدف که آنها به شدت مقروض شده و قادر به پرداخت قیمت گاز نباشند و در نهایت برای تسویه این بدهی‌ها کنترل خط لوله خود را به شرکت‌های روسی واگذار کنند. این اتفاق در بلاروس و ارمنستان و مولداوی رخ داد و بار دیگر در اکراین در حال وقوع است.

۴. خنثی کردن رقابت: در ژوئن ۲۰۰۷ گازپروم و شرکت ایتالیایی انی یک یادداشت تفاهم برای ساخت «لوله گاز جنوبی» از روسیه به ایتالیا امضا کردند. این خط با ظرفیت سالانه ۳۰ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی، با دور زدن اکراین و ترکیه از طریق دریای سیاه به بلغارستان می‌رود. گازپروم از طریق انی، به سیستم‌های توزیع و مصرف گاز ایتالیا دست یافته است. این خط لوله وابستگی اتحادیه اروپایی به انرژی روسیه را افزایش می‌دهد و مستقیماً با پروژه خط لوله گاز ناباکو که از سوی اروپا و آمریکا حمایت می‌شود رقابت خواهد کرد، شانس تحقق این طرح با نفوذ گازپروم در اروپا و توافق در مورد مسیرهای جایگزین کم شده است (www.economist.com, APR, 2007).

۵. هم‌گرایی در سطح خارجی: مسکو همچنین در حال تحکیم کنترل خود بر منابع نفت و گاز در کل اوراسیا به‌ویژه از راه امضای موافقت‌نامه‌های بلندمدت و اکتشاف و بهره‌برداری با ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان و پیشگیری از توافقات جداگانه صادراتی این کشور با غرب است. این سیاست، اهداف اتحادیه

اروپایی برای اجتناب از وابستگی استراتژیک روسیه به تنوع بخشیدن به منابع عرضه را به شکست می‌کشاند. گازپروم همچنین سیاست تضمین اختصاص گاز آسیای مرکزی برای تأمین نیازهای داخلی روسیه را پیگیری می‌کند که منافع ذیل را برای روسیه خواهد داشت:

۱. تأمین گاز بازار داخلی روسیه با گاز تقریباً ارزان این منطقه که چندان دور نیستند.
۲. گاز آسیای مرکزی می‌تواند به گازپروم کمک کند تا تعهدات صادراتی خود نسبت به اروپا را تأمین کند.
۳. کشورهایی چون ترکمنستان و قزاقستان را از ورود به بازار گاز اروپا به‌عنوان رقیب روسیه بازمی‌دارد.
۴. هم‌گرایی در سطح داخلی: دولت پوتین در تلاش است تا بخش نفت و گاز روسیه را در دست نهادهای تحت کنترل دولت تثبیت کند. در همین راستا از دسترسی شرکت‌های عمده انرژی بین‌المللی به بخش انرژی روسیه جلوگیری به‌عمل آمده است.
۵. آپک گازی: از همه مهم‌تر، روسیه در یک هدف بلند مدت درصدد ایجاد یک کارتل برای کنترل قیمت گاز طبیعی و یا به عبارتی آپک گازی است. این طرح ابتدا در قالب ایجاد اتحاد اوراسیایی تولیدکنندگان گاز در ژانویه ۲۰۰۲ از سوی پوتین مطرح شد. از نظر روسیه این کارتل متشکل از روسیه، قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان نه تنها قیمت گاز را در حد بالایی نگه می‌دارد، بلکه می‌تواند تأثیرات آزادسازی بازار گاز اروپا در آینده را خنثی و یک چارچوب باثبات برای انتقال گاز ایجاد کند (راعی دهقی، ۱۳۸۶: ۲۰۷-۲۰۶).

۷ عدم تحقق سیاست متنوع‌سازی منابع و مسیرهای عرضه انرژی

یکی از مهم‌ترین سیاست انرژی اتحادیه اروپا کاهش وابستگی به انرژی روسیه بوده است. به‌طور خاص تنوع‌بخشی به سبد انرژی و افزایش سهم عرضه گاز خاورمیانه و شمال آفریقا یکی از اولویت‌های مشخص این سیاست بوده است. براساس جدیدترین آمارها، مصرف گاز اتحادیه اروپا بیش از ۷/۴ درصد افزایش داشته است و همچنین افزایش ۲۰ درصدی قیمت گاز که بالاتر از قیمت گاز در قراردادهای بلندمدت گازپروم به اروپا بود این امر در وهله اول متأثر از مخاطرات ژئوپلیتیکی افزایش تنش‌ها در خاورمیانه و شمال آفریقا بهار عربی بوده است و در وهله دوم

وضعیت بازار ژاپن (افزایش واردات ال. ان. جی.) بعد از بحران فوکوشیما بود.

۱. امنیت عرضه گاز شمال: هرچند در نتیجه بحران شمال آفریقا ۱/۵ میلیون نفت از لیبی خارج شد، اما مهم‌ترین تهدید عرضه انرژی اروپا در احتمال اختلال در عرضه گاز این منطقه به این اتحادیه است. کشورهای منطقه در مجموع یک سوم گاز وارداتی اروپا را تأمین می‌کند و تحولات شمال آفریقا تهدیدات جدی در امنیت عرضه گاز به اتحادیه اروپا ایجاد می‌کند.

۲. تهدید تحقق کریدور جنوبی اروپا: علاوه بر مورد فوق امنیت عرضه گاز اروپا از کریدور جنوبی نیز به خطر افتاده است. عدم تعیین رژیم حقوقی دریای خزر سبب امکان‌پذیر نشدن اتصال ترکمنستان از طریق خطوط لوله برنامه‌ریزی شده ترانس خزر به آذربایجان - گرجستان - ترکیه (ناباکو) خواهد شد و این خط لوله را بحران عدم وجود منابع گاز مطمئن (ایران) مواجه می‌کند (استراتژی انرژی اتحادیه اروپا ۲۰۲۰ و چالش‌های تحقق آن، ۱۳۹۱: ۱۸).

۳. تهدید امنیت انتقال LNG خلیج فارس به اروپا: وضعیت امنیت عرضه جهانی گاز بر امنیت عرضه گاز اتحادیه تأثیر می‌گذارد، تشدید تحریم‌ها بر نفت و گاز ایران به بستن تنگه هرمز است سالانه حدود ۳۶/۵ BCM گاز طبیعی به صورت ال. ان. جی. از خلیج فارس به اروپا صادر می‌شود.

۴. تهدیدات امنیت عرضه جهانی گاز محرک وابستگی بیشتر به روسیه: اگر تنش‌ها در منطقه افزایش یابد، رشد قیمت گاز وارداتی اروپا نیز با افزایش ۶۰ درصدی روبه‌رو می‌شود. در نتیجه تداوم شرایط متشنج در منطقه‌ای واردات از خاورمیانه و شمال آفریقا ۲۵ درصد نیز کاهش می‌یابد. این موارد موفقیت تنوع‌بخشی مسیره‌ها و منابع صادراتی گاز به اروپا را مطرح می‌کند که با عدم موفقیت آن به وابستگی به روسیه را افزایش خواهد داد. با این شرایط اتحادیه اروپا مجبور به ارزیابی مجدد سیاست انرژی و رویکرد انرژی خود با توجه به خطرات سیاسی موجود در شمال آفریقا و منطقه خاورمیانه است. منطق و فشار تحولات اخیر انتخاب کمی برای اتحادیه اروپا باقی گذاشته تا از پروژه‌های جدید انتقال گاز روسیه به اروپا حمایت نماید (Tatyana, 2012).

نیاز شدیدی به منابع انرژی فسیلی دارند و ازسوی دیگر به دلیل عدم کفاف منابع داخلی و کاهش ظرفیت منابع داخلی، وابستگی این کشورها به واردات انرژی در سال‌های آینده نیز افزایش خواهد داشت؛ به طوری که با وجود کاهش مصرف نفت خام وابستگی این کشورها به نفت ۹۰ درصد ۲۰۳۰ و درزمینه گاز طبیعی ۸۵ درصد در سال ۲۰۳۰ افزایش می‌یابد. بنابراین مسئله امنیت عرضه باثبات انرژی و بهبود شبکه انتقال و توزیع انرژی از عمده‌ترین چالش‌های تأمین امنیت عرضه انرژی در کشورهای اروپایی خواهد بود.

تحولات سالیان اخیر ابعاد امنیتی این مسئله را افزایش داده است. اتحادیه اروپا به دلیل پیروی از سیاست‌های آمریکا در تحریم ایران، خود را از فرصت‌ها و امکانات موجود در انرژی و موقعیت ژئوپلیتیک ایران محروم کرده است. تحولات بهار عربی و ناامنی ایجاد شده در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا که از منابع بالقوه و بالفعل تأمین انرژی مورد نیاز اروپا هستند و فرایند رو به تشدید قدرت‌گیری حاکمیت اسلامی، جریان‌های ضدصهیونیستی و جریان مستقل در این کشورها، فضای اطمینان‌بخشی را که حاکمان مستبد دولت پیشین این کشورها برای غربی‌ها فراهم کرده بودند، از بین برده و نوعی فضای نااطمینانی و ابهام برای آنها به وجود آورده است. روسیه با توجه به داشتن منابع سرشار نفتی و گازی و قرار گرفتن میان اروپا و آسیا (اوراسیا) نقش ویژه‌ای را در زنجیره تأمین انرژی جهانی بازی می‌کند. بنابراین سیاست انرژی روسیه برای حفظ جایگاه این کشور و ارتقای موقعیت برای صدور هرچه فعال‌تر خود در بازار جهانی به این قرار است. متنوع‌سازی منابع عرضه، توسعه زیرساخت‌های انتقال انرژی، مشارکت فعال در بازارهای بین‌المللی انرژی، بازار مالی بین‌المللی انرژی و سازمان‌های بین‌المللی انرژی به منظور کسب سرمایه‌گذاری خارجی.

روسیه با آگاهی از وابستگی اجتناب‌ناپذیر اتحادیه اروپا به واردات انرژی از آن کشور به دنبال این است که این وابستگی انرژی را محکم کند. به‌ویژه از دوران پوتین در راستای اجرای اهداف خود در حوزه انرژی، سیاست‌های مقتدرانه‌ای در این حوزه در قبال اروپا اتخاذ کرده است. مهم‌ترین سیاست‌های انرژی روسیه در قبال اتحادیه اروپا عبارت‌اند از: تشدید کنترل دولت بر شرکت‌های دولتی و خصوصی نفت و گاز طبیعی کشور (گازپروم، لوک اویل، ترنس نفت و یوکاس) که عملاً دولت را تعیین‌کننده سیاست اقتصادی تبدیل و آنها را به‌عنوان ابزاری در

دست دولت برای اجرای اهداف مدنظرش در حوزه سیاسی و اقتصادی بدل کرده است. منحصر کردن تقاضای بازار نفت و گاز طبیعی به خود با امضای قراردادهای طولانی مدت دو یا چندجانبه با کشورهای اروپایی از جمله قرارداد با دو واردکننده اصلی انرژی اروپا یعنی، آلمان و ایتالیا، برای احداث دو خط لوله مهم با هدف خنثی کردن تلاش‌های اروپا برای شکست انحصار این کشور و وابسته ساختن بیشتر اروپا به خود در حوزه انرژی به‌ویژه گاز طبیعی است. ایجاد محدودیت در روند عرضه انرژی به اروپا از طریق تحکیم و تثبیت کنترل خود بر زیرساخت‌های انرژی، به‌ویژه خطوط لوله در سراسر اروپا و اوراسیا، رد تقاضاهای مکرر اروپا برای تصویب پیمان منشور انرژی و حضور اروپا در بخش انرژی این کشور، تلاش برای ساخت خطوط لوله جدید از لوله بالتیک و محور شمال به‌منظور کاهش وابستگی خود به کشورهای ترانزیت‌کننده انرژی؛ در نهایت، تشکیل آپک گازی و کارتل گازی برای کنترل و هدایت صادرات و قیمت بازار گاز طبیعی است.

روسیه به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده گاز و نفت در جهان با درک الزامات ساختار نوین اقتصادی سیاسی بین‌الملل پس از جنگ سرد و فهم این مطلب که اقتصادهای بزرگ صنعتی جهان به منابع انرژی وابسته هستند و با چرخش تدریجی از ایدئولوژی به ژئواکونومیک، ضمن آنکه تلاش کرده تا با بهره‌گیری از ذخایر بسیار سرشار انرژی هیدروکربنی و نیز سلطه بر شاهراه‌های خطوط انتقال انرژی است، نقش یک امپراتوری نفتی را که قادر است نفت گاز را به میزان بسیاری در جهان عرضه کند، ایفا نماید. روسیه کوشش می‌کند تا از انرژی به‌عنوان قدرت نرم، به‌جای به‌کارگیری سلاح هسته‌ای و قدرت سخت نظامی، برای افزایش ثروت ملی و نیز پیشبرد اهداف سیاست خارجی این کشور به‌ویژه در مواضع خود در برابر اتحادیه اروپا، بهره‌گیری مطلوب به‌عمل آورد. بنابراین راهبرد انرژی روسیه در قبال اتحادیه اروپا در کنار اهداف اقتصادی دارای آماج امنیتی و راهبردی است. روسیه درصدد است با حفظ ایجاد گسترش شبکه‌ها و خطوط انتقال انرژی به اروپا در فضای پیرامونی خود، محیط امنیتی منطقه‌ای امن به‌ویژه در خارج نزدیک ایجاد کند. احداث و حفظ خطوط انتقال انرژی به اروپا از کشورهای مختلف منطقه حائلی میان روسیه و ناتو به‌وجود می‌آورد که ضمن تضمین امنیت ملی روسیه قدرت چانه‌زنی این کشور با آمریکا، اروپا و ناتو را افزایش می‌دهد. انرژی باعث ارتقای جایگاه و نقش‌آفرینی روسیه در نظام بین‌الملل می‌شود.

منابع

- ابراهیمی، محمد (۱۳۸۳). «استراتژی انرژی روسیه، ظرفیت‌ها و اقدامات»، فصلنامه *آسیای مرکزی قفقاز*، ش. ۴۷.
- اسلامی، مسعود (۱۳۹۱). «دیپلماسی انرژی ایران و روسیه، زمینه هم‌گرایی و واگرایی» فصلنامه *راهبرد*، ش. ۶۴.
- پژوهشکده اقتصاد انرژی (۱۳۹۱). «استراتژی انرژی اتحادیه اروپا ۲۰۲۰ و چالش‌های تحقق آن»، گروه اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ش. ۱.
- «تأثیر انرژی بر ابعاد سیاسی و اقتصادی روسیه» (۱۳۹۳). ماهنامه *گستره انرژی*، ش. ۸۸-۸۹.
- ترکان، اکبر (۱۳۹۱). «نقش گاز طبیعی در امنیت ملی ایران، قطر و روسیه، مطالعه تطبیقی»، فصلنامه *راهبرد اقتصادی*، ش. ۱.
- حسینی، حمید و مرتضی باقیان (۱۳۸۹). «تسلط روسیه بر بازار انرژی اتحادیه اروپا مخالفت این کشور با عرضه ایران به اروپا»، *نفت سیاست خارجی*.
- حیدری، محمدعلی (۱۳۸۸). «ناباکو امنیت انرژی اروپا و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای»، فصلنامه *آسیای مرکزی و قفقاز*، ش. ۶۶.
- راعی دهقی، مرتضی (۱۳۸۶). «روسیه و اتحادیه اروپا: استراتژی‌های متقابل انرژی»، فصلنامه *مطالعات آسیای مرکزی قفقاز*، سال شانزدهم، ش. ۶۰.
- رمضان‌زاده، عبدالله و حمید حسینی (۱۳۸۹). «جایگاه گازپروم در راهبرد انرژی روسیه»، فصلنامه *مطالعات اوراسیای مرکزی*، ش. ۶.
- شعریتی‌نیا، محسن (۱۳۸۶). «انرژی اوراسیایی»، *معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی*، گروه *مطالعات اوراسیا*، ش. ۸.
- صادقی، شمس‌الدین (۱۳۹۲). «ژئوپلیتیک انرژی ایران و رویکرد اتحادیه اروپا»، فصلنامه *سازمان‌های بین‌المللی*، ش. ۳.
- قاسمیان، سلیمان و قادر شادی‌وند (۱۳۹۰). «چشم‌انداز توسعه اقتصادی و استراتژی‌های جدید بخش نفت و گاز روسیه»، ماهنامه *اکتشاف تولید*، ش. ۸۵.
- معاونت برنامه‌ریزی وزارت نفت (۱۳۸۹). «بررسی راهبرد ملی انرژی روسیه»، *اداره کل برنامه‌ریزی استراتژیک معاونت برنامه‌ریزی وزارت نفت*.
- موسوی شفیایی، مسعود، احمد سلطانی‌نژاد و مهدی زحمتکش (۱۳۹۱). «وابستگی متقابل روسیه و اتحادیه اروپا در حوزه انرژی»، *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ش. ۶.
- Alhajji, A. F. (2007). "What is Energy Security? Definitions and Concepts", *Middle East Economic Survey*, No. 45.
- Chichester, G. (2006). "Security of Energy Supplies, Particularly Gas", Available at: <http://www.europarl.eu.int/news>.
- Correlje, Aad and Coby Van Derlinde (2006). "Energy Supply Security

and Go-Politics: A European Perspective", *Energy Policy*.
Dempsey, J. (2006). "Poland Supports purchase of Refinery",
International Herald Tribune.
Dorian, James P. and et al. (2006). "Global Challenges in Energy",
Energy Policy, Vol. 34.
Hippel, David Von and et al. (2009). "Energy Security and
Sustainability in Northeast Asia", *Energy Policy*, Vol. 37, Issue 6.
Tatyana Mitrova (2012). European energy security: Lessons of 2011.
Available at: http://en.rian.ru/valdai_op/20110622/164760288.html.
Umbach, Frank (2009). "Global Energy Security and the Implications
for the EU", *Energy Policy*, in press, corrected proof.
Weisser, Hellmuth (2008), "The Security of Gas Supply_ a Critical Issue
for Europe?", *Energy Policy*, Vol. 36, Issue 11.
Eruogas statistical report (2011).
www.nord-stream.info
www.south-stream.info
www.economist.com, APR, 2007.
www.eni.com
www.eia.com.